

طرح پیشنهادی در مورد بهبود وضع و موقف زنان افغانستان

به دولت وحدت ملی

کابل- اول نومبر ۲۰۱۴

در طول جنگهای پی در پی، موقف زن افغان نه تنها در سطح کشور، بلکه در مقیاس جهانی سیر قهقرایی را پیموده است. با در نظر داشت اینکه زن افغان همواره و بخصوص در سه دهه اخیر با همت والای خویش در جریان مصروفیت مردها در جبهات جنگ، چرخ زندگی را با حوصله مندی و متانت بدست گرفته و شیرازه زندگی فامیل را محکم نگهداشته و نگه میدارد؛ لازم است تا نه تنها جانب ذهنیت جامعه افغانستان این واقعیت را فراموش نه نموده و به خدمات آنها ارج بگذارند، بلکه جهانیان هم نباید دیگر بیش از این زن افغان را از روی ترحم بیچاره و مظلوم پندارند، بلکه ظرفیت ها، توانایی ها و آمادگی های وی را لیبیک گفته، پشتیبانی نمایند. بدین ترتیب زن افغان چانس آنرا خواهد داشت تا اهداف شرافتمندانه خویش را در تثبیت ارزش انسانی و نقش مؤثرش در آبادانی یک جامعه مرفه و مستقل عملی نماید. با این طرح میخوایم به طور مشخص پیشنهادات مشخص خویش را برای بهبود و ارتقای موقف و نقش زنان افغان در جامعه به طور ذیل ارائه نمایم.

1. برای تغییر وضعیت کنونی لازم است تا در ابتدا یک وجه مشترک و پیوند دهنده میان زنان افغانستان در داخل و خارج از کشور و در بین لایه های مختلف زنان افغان به وجود آمده و برانزده گردد. به نظر من این وجه مشترک میتواند که تجلیل از یک روز مشخص بنام «روز همبستگی زنان افغانستان» باشد. در این مورد کار های مقدماتی از جانب برخی از زنان و مردان روشن اندیش افغان قبلاً صورت گرفته است. به ابتکار افغانهای داخل و خارج وطن در اواخر ماه می و اوایل جون سال ۲۰۱۳ حرکت های گسترده (میتنگ ها، مارش ها و مظاهرات، سیمینار ها و کنفرانس ها) جهت پشتیبانی از «قانون منع خشونت علیه زنان» و تصویب آن از جانب پارلمان افغانستان به راه انداخته شد. زنان و مردان افغانستان با تعلقات گونه گون در داخل کشور و در قاره های مختلف دنیا برای اولین بار در یک خط پیکار با شعار واحد برای احقاق حقوق زنان کشور به پا ایستادند که منبع و منشأ مقاومت مشترک و به هم پیوستن زنان و مردان افغان گردید. از آن سال به بعد عده از سازمانهای دفاع از حقوق زنان و رسانه های افغانی ۸ جون را به حیث «روز همبستگی زنان افغانستان» جشن میگیرند. این بدان معنی است که با تجلیل از هشتم جون از یکطرف همبستگی زنان افغان را در سراسر جهان تبارز داده و عملی سازیم، از جانب دیگر همبستگی همه مردم را به جانب زنان افغان جلب نمائیم. بدین ارتباط از دولت وحدت ملی تقاضا میگردد تا ۸ جون و یا یک روز معین دیگری را به نام «روز همبستگی زنان افغانستان» مسمی نموده و در سطح ملی و بین المللی برای شهرت و مشروعیت بخشیدن آن سعی ورزد. از محترمه رولا غنی تمنا مینمائیم که زنان افغانستان را درین مورد پشتیبانی نمایند تا آنها درفش موجودیت فردی،

اجتماعی و آگاهی سیاسی خویش را با تجلیل از این روز در سطح ملی و بین المللی به اهتزاز در آورده بتوانند.

2. نظر به آموخته های علمی، تجارب تاریخی و واقعیت های عینی جامعه ما لازم است تا ارشادات دین مقدس اسلام، فرهنگ جامعه افغانی و قوانین مدنی جامعه بشری - مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر - برای بهبود وضعیت و تحکیم مقام زن در حیات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی دور از هر نوع افراط و تفریط با هم تلفیق گردد.

3. از همه مقدمتر باید این موضوع به پیش کشیده شود که زن انسان است و باید حقوق و جایگاه انسانی خویش را در جامعه احراز نماید. زنان افغان انتظار دارند تا حیثیت و کرامت انسانی آنها، در تمام پیوندها با مردان احترام گردد. مردان به توانایی و استعدادشان نه تنها در قالب همسر، مادر، خواهر و دختر، بلکه در موقف یک انسان اهمیت قایل شوند.

4. مبرهن است که اساسی ترین آرزوی زنان افغانستان راه اندازی تحولات مثبت سیاسی در جهت ارتقای نقش زنان، طرح و تطبیق قوانین متمدن، مسلکی سازی ادارات دولتی و تأمین صلح و تحکیم امنیت در کشور میباشد. زیرا که همه اینها شرایط مقدماتی و ماحول عمومی کار و پیکار دادخواهانه زنان و مردان را مساعد میسازد. منافع زنان عملاً به همین پروسه ها گره خورده و بالمقابل اشتراک فعال نظری و عملی زنان تطبیق عملی پروسه صلح را سرعت میبخشد.

5. اقدامات و دگرگونی های مثبت در حیات اجتماعی زنان باید بر اساس یلان ستراتیژیک طویل المدت بنیان گذاری شود، تا زمینه اصلاحات تدریجی، مستمر و غیر قابل برگشت را فراهم نموده بتواند. البته فراموش نباید کرد که تحولات سیاسی عاجل میتوانند جرقه های خوبی برای افروختن مشعل رشد زنان باشند، ولی هرگاه این تحولات با اقدامات بنیادی اقتصادی و فرهنگی متناسب همراه نباشند، میتوانند "سوزنده" نیز تمام شوند. لهذا خواست زنان افغانستان از دولت جدید بلند کردن چنان قدم های ثابت، مدبرانه و پیگیرانه میباشد، که نباید همانند گذشته های دور و نزدیک، خطر عقب گرد داشته و تداوم انکشاف را در زمینه فراهم گرداند.

6. برای تحولات مستمر و دوامدار در موقف و رول زنان در جامعه افغانی ضروری است تا انکشاف هماهنگ، متناسب و متوازن زنان در سرتاسر کشور اعم از شهر ها و دهات عملی گردد. پیشرفت زنان نباید محدود به زنان شهری و با سواد گردد، بلکه لازم است تا توجه خاصی در ولایات و قریه جات کشور نیز مبذول گردد. رشد سریع زنان شهری به خصوص از لحاظ ظواهر در مقابل عقب ماندگی عمیق زنان دهات یکی از تناقضات بسیار مهم اجتماعی در گذشته ها بوده که نتایج دردناکی را به وجود آورده است. از اینرو ما خواهان انکشاف همساز و هماهنگ زنان در سرتاسر کشور میباشیم.

7. مسئله مهم دیگر، نهادینه شدن مفکوره شناسایی و پذیرایی حقوق زنان در بنیاد جامعه است. برای این منظور لازم است تا در تمام اقدامات چنان میتود های عملی روی دست گرفته شود

که زنان را در بطن جامعه از این اقدامات آگاه ساخته، ایشان را قدم به قدم با خود گرفته، خلاقیت و ابتکار زنان عادی کشور را نیز به کار بیاندازد. بدین ترتیب همه خود را در سیاست های دولت شریک دانسته، فاصله و جدایی بین لایه های مختلف قشر زنان کمتر خواهد شد.

8. زنان را باید در محل های زیست شان جستجو نمود و قابلیت های شانرا انکشاف داد. بسیج زنان و باز نمودن دروازه های پیشرفت بر روی تمام زنان، کشور خواستار میتود های به خصوصی میباشد. لازم است تا مطابق شرایط زیست آنها از روش های تجربه شده در جهان برای ارتقای تدریجی ولی دوامدار سطح آگاهی شان استفاده صورت گیرد. باید در نظر داشت که اکثر زنان افغانستان از سواد محروم اند، و در عین حال همین اکثریت بیسواد، مربی و تربیه کننده نسل آینده وطن میباشد. باید اندیشید که چگونه و با کدام آهنگ شرایط پیشرفت شانرا چنان آماده نمود، که در عین حال در تضاد با شرایط و عنعنات مروجۀ محیط زندگی شان قرار نگیرد. ضرور نیست تا دفعتاً از سواد آموزی زنان در اطراف و اکناف کشور آغاز نمود، بلکه نقطه آغاز عبارت از شناخت و قبول واقعیت زندگی آنها از جانب مجریان کار میباشد؛ یعنی آنطوری که هستند، و آنچنانیکه زندگی مینمایند باید شناخته شده و پذیرفته شوند. به طرز زندگی شان که شالوده یی از تجارب قرن ها میباشد، باید احترام کرد. برای آوردن تغییرات مثبت در زندگی آنها نخست باید با پیشکش نمودن مساعدت های اولیه که خودشان خواستار آن اند، اقدام نمود. باور و اعتماد آنها را بدست آورد و به صورت تدریجی و دوامدار نظر به طرز زندگی و سطح فکری شان عمل کرد، بدون آنکه داشته های خوب شانرا طرد و توهین نمود. در این راه نه تنها خود زنها بلکه سایر افراد خانواده شان را نیز باید با خود گرفت. این کار اگرچه مشکل به نظر می آید ولی قابلیت تطبیق را داشته و من منحیث یک کارمند تخصصی در ساحه ظرفیت سازی زنان در حاشیه اجتماع آلمان، با اتکا به تجارب و شناخت هابیم از جامعه افغانستان میتوانم بگویم که این یگانه راه مطمئن برای ایجاد بنای محکم، گسترده، با ثبات و مترقی اجتماعی در کشور خواهد بود.

9. موضوع مهم دیگر عبارت از استفاده از ظرفیت ها و توانایی های زنان آگاه و وطن دوست افغان در خارج، به خصوص در ممالک غربی به نفع زنان کشور میباشد. آنها از سالهای متمادی بدینسو برای بهبود وضع زنان و روشنگری به کار های قابل ملاحظه یی دست زده و صرف انرژی مینمایند. زنان فعال افغان که در بیرون از کشور زندگی مینمایند تجارب غنی کشور های مختلف را در ساحه مورد نظر کسب نموده که در صورت امکان میتوانند آنها را به افغانستان انتقال بدهند. لازم میدانم تا مشترکاً میکانیزمی ایجاد و به راه انداخته شود تا فعالیت های زنان داخل و خارج کشور باهم طوری تنظیم، ترتیب و جهت گیری گردد که مؤثریت فعالیت ها بلند رفته و زمینه همکاری بین آنها بیشتر مهیا گردد.

10. کار بنیادی و سیاست گذاری در بخش فرهنگی جامعه، موضوع مهم دیگری میباشد که زنان و مردان را در هماهنگ سازی و آشتی دو فرهنگ تقریباً متضاد ممد همدیگر ساخته میتواند. زندگی سنتی و برخاسته از جنگ های دوامدار که موقف زنان را به نزول کشانیده است، از یک طرف و فرآورده های زندگی مدرن که از طریق رسانه ها و تکنالوژی اطلاعاتی به دسترس

جامعه قرار میگیرد، از جانب دیگر باعث سر در گمی و شخصیت سازی چند گانه، نه تنها در بین زنان و به خصوص قشر جوان آن، بلکه در بین مردان نیز گردیده است. برای اصلاح این حالت لازم است تا اولتر از همه در پروگرام های تلویزیون های افغانستان تغییر بنیادی به میان آید. پروگرام های تعلیمی و سریال های آموزنده را در اوقاتی که اکثر فامیل ها به تماشای تلویزیون میپردازند، به جای سریالهای سوال برانگیز کنونی که باعث اختلال در افکار نسل جوان ما (دختر ها و پسر ها) گردیده است، جایگزین گردانند. برای درک این مشکل لازم است تا به مکاتب عالی در شهر کابل و سایر شهر های بزرگ مراجعه شده و از تأثیرات منفی این سریال ها از مسؤلین آنها پرسیده شود.

همچنان در نصاب تعلیمی مکاتب لازم است تا طبق پیشنهاد کانديد اکادیمیسن محترم محمد اعظم سیستانی، مضمونی بنام « مقام ونقش زن درحیات خانواده و جامعه » داخل گردد تا شاگردان مکاتب از همان دوره ابتدائی، آداب حرمت گزاری به زن را بیاموزند. لازم است تا در این مضمون در مورد احترام به زن، تقبیح خشونت و تبعیض جنسیتی در مقابل زنان و ارجگزاری به توانایی های آنها تدریس گردد.

در نتیجه باید گفت که پیشرفت زنان بدون شک یک مبحث مهم و در عین حال بغرنج در قطار وظایف دولت محسوب میگردد. این امر مستلزم یک پالیسی سنجیده شده و فراگیر ملی بوده و خواستار بودجه لازم میباشد. سرمایه گذاری در این بخش دارای مؤثریت بلند اجتماعی است که بازده اقتصادی و فرهنگی قابل توجه را برای مجموع جامعه در پی خواهد داشت. در این پیکار بزرگ ملی نه تنها دولت و حکومت افغانستان، بلکه تمام سازمان ها و نهاد های سیاسی، مدنی و اشخاص انفرادی مسؤولیت دارند تا دست به دست، قدم به قدم به پیش رفته و امکانات مساعد را برای انکشاف حد اکثر زنان جامعه مهیا گردانند.

به امید پیروزی ملت افغانستان در راه تأمین عدالت اجتماعی و انکشاف اقتصادی.

یادداشت: در طرح و تدوین این پیشنهادات از نظریه های علمی و فعالیت های عملی فعالان زن، دانشمندان، اکادیمیسن ها، استادان پوهنتون، سیاستمداران، ژورنالیستان و صحبت های مستقیم با والدین، معلمان، جوانان و سایر هموطنان در داخل و خارج کشور استفاده به عمل آمده است. در طول فعالیت کمپاین " تفکر، تحریر و عمل در مورد زن " در مدت چهار ماه متواتر از مارچ تا جون ۲۰۱۴ بالخصوص رسانه های چون: پورتال افغان-جرمن، سایت های افغان آسمایی، نعیمی، 24 ساعت، گران افغانستان و ولس غر، برگه های فیسبوکی "کانون همافنگی زنان- جهت تماس، تبادل نظر، تفاهم، و همکاری متقابل برای تحقق اهداف مشترک"، "تابش جدید- نوی ویرانگه"، مجلات زنان مانند "بانو" و "نادیه انجمن"، تعدادی از انجمن های اجتماعی متفقاً موضوع زن را هر روزه در محراق توجه هموطنان قرار دادند که در نتیجه مقالات و تحلیل های متعددی در مورد نوشته شده، جمع بندی و ارزیابی گردید. که این پروسه در تشخیص نیازمندی های اساسی انکشاف زنان افغانستان ممد واقع گردیده است.

(پایان)

اول نوامبر سال ۲۰۱۴